

مقاله پژوهشی

سنجش نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند بازآفرینی مشارکتی (مورد مطالعاتی: بررسی تطبیقی محلات مهدی‌القدم و هفت‌آسیاب شهر ارومیه)

علی صمدی*؛ دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

جواد جهانگیرزاده؛ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده:

امروزه رویکرد سرمایه اجتماعی به یکی از عوامل موثر در توسعه بهره‌وری پایدار شهری تبدیل گردیده است. اهمیت این رویکرد در اقدام بازآفرینی شهری به عنوان پتانسیل مهم و یک اقدام غیرمتمرکز است که با ورود مشارکت شهروندان زمینه‌های اثرپذیری طرح فراهم می‌گردد. در این راستا تحقیق حاضر با هدفی کاربردی و ماهیتی توصیفی-تحلیلی در تلاش است تا با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و روش‌های پیمایشی به ارزیابی تطبیقی وضعیت مولفه‌های سرمایه اجتماعی در حوزه بازآفرینی مشارکتی در محلات مهدی‌القدم و هفت‌آسیاب شهر ارومیه بپردازد. جامعه آماری تحقیق شامل دو گروه متخصصین شهری و شهروندان می‌باشد. روش‌های تجزیه و تحلیل نیز مبتنی بر دو روش سوارا و ماباک می‌باشد که به ترتیب در وزن‌دهی مولفه‌های پیشنهادی تحقیق و رتبه‌بندی گزینه‌های تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که به ترتیب شاخص‌های امنیت عمومی و حضور در اجتماعات محلی بیشترین، و التزام و تقید به تعالیم دینی و مصلحت عمومی کمترین سطح اهمیت و ارزش را داشته است. همچنین طبق نتایج نهایی، محله مهدی‌القدم شهر ارومیه وضعیت مطلوب‌تری را نسبت به محله هفت‌آسیاب در امر وضعیت مولفه‌های سرمایه اجتماعی به خود اختصاص داده است. در نهایت جهت بهبود وضع موجود و نیل به شرایطی بهتر به ارائه برخی پیشنهادات پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: بازآفرینی شهری، مشارکت، سرمایه اجتماعی، هفت‌آسیاب و مهدی‌القدم، ارومیه.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۴/۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۶/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۱

بیان مساله

امروزه توسعه پایدار در کشورهای مختلف، هدف مشترک بسیاری از سیاست‌های توسعه شهری می‌باشد (Cheen & Bakar, 2013: 485). بافت‌های فرسوده شهری بخش قابل توجهی از پهنه شهرهای کشور ایران را تشکیل می‌دهند که به دلیل دارا بودن معضلات خاص از گستره حیات شهری خارج و به بخش‌های مسئله‌دار شهرها تبدیل شده‌اند (امیراحمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۴). این امر باعث توجه ویژه دولت‌ها به این بافت شده که با ارائه طرح‌های بهسازی و نوسازی در پی حل این معضلات شده‌اند. طرح‌های ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری در عصر جهانی‌سازی بر بازساخت کالبدی و رشد اقتصادی در راستای انباشت سرمایه تأکید داشته و بی‌توجه به بعد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در این بافت‌ها بوده است (Zhai & kam ng, 2013: 14). این عدم توجه به بعد اجتماعی مانع مشارکت شهروندان در این طرح‌ها شده (Young et al, 2017: 135; Hong, 2018: 197) که این خود منجر به سرانجام نرسیدن طرح‌های بهسازی و نوسازی و همچنین روبه‌رو شدن با مشکلات زیاد و توقف‌های طولانی پروژه‌ها شده است (نقدی و کولیوند، ۱۳۹۴: ۲). در این راستا رویکرد بازآفرینی شهری مبتنی بر اقدام مشارکتی وارد عرصه برنامه‌های ساماندهی و ارتقای محیط‌های شهری گردید. بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی قدیم (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌شود و هدف، حفظ ویژگی‌های ارزشی بافت قدیمی، خلق ویژگی‌های جدید و متناسب با نیاز روز و تعریف مجدد ارزش‌های گذشته برای پاسخگویی به نیازهای معاصر است (حناچی، ۱۳۸۶: ۱۵). مشارکت، برنامه‌ریزی راهبردی و پایداری سه ضلع مثلث رهیافت بازآفرینی شهری را تشکیل داده و پایه و اساسی را برای اقدام در بازآفرینی فراهم می‌نمایند (فلاح‌زاده و محمودی پاتی، ۱۳۹۴: ۶). یکی از عوامل مهم ناموفق بودن پروژه‌های بازآفرینی شهری در ایران عدم توجه و تأکید کافی به نقش ساکنان آن محدوده از شهرها می‌باشد که این مهم حاصل فقدان برنامه‌ریزی لازم برای جلب مشارکت هرچه بیشتر ساکنان و آموزش آنها، نقص آموزش در زمینه مرمت شهری در ایران، فقدان آموزش به آحاد مردم با هدف انتقال تجربیات و الگوهای مناسب به منظور تغییر نگرش مردم به بافت‌های تاریخی از یک‌سو و نبود تخصص و آگاهی کافی حاصل از عدم آموزش‌های مناسب برای مدیریت شهری و مجموعه کارشناسان اجرایی از سوی دیگر می‌باشد (نژادابراهیمی و نژاداغی، ۱۳۹۷: ۲۲). لذا جهت نیل به وضعیتی مطلوب و تحقق خواسته‌های مورد انتظار در طرح‌های بازآفرینی شهری، ضمن تعیین و تبیین سهم و جایگاه آموزش و کسب اطلاعات و آگاهی‌های عمومی لازم، بایستی مشارکت مجموعه شهروندان و اجتماع نیز مدنظر قرار گیرد که به تقویت سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز می‌انجامد. سرمایه اجتماعی به طور خاص از طریق پیوندهای نخستین همچون خویشاوندی بروز می‌کند. اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان، همکاران، همسایگان و... دارایی‌های بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن‌ها را به کار گیرد و از آن‌ها بهره بگیرد. به طور کلی سرمایه اجتماعی مجموعه منابع بالقوه‌ای است که با عضویت در شبکه‌های اجتماعی کنشگران و سازمان‌ها به وجود می‌آید. به عبارتی شامل روابط مبتنی بر اعتماد و بده بستان (معامله به مثل) در شبکه‌های اجتماعی است. پس سرمایه اجتماعی منبعی است که کنشگران می‌توانند برای دستیابی به اهدافشان از آن استفاده کنند (سعادت‌ی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۴). در طی سال‌های اخیر تحقیقات و مطالعات گسترده و متعددی پیرامون موضوع مطالعاتی تحقیق حاضر در سطح داخلی و خارجی انجام گرفته که در آن‌ها به سنجش وضعیت محیط‌های شهری و تعیین سطح مطلوبیت و سازگاری آن پرداخته شده است. تحقیق حاضر سعی دارد با تبیین واژگان کلیدی اصلی از جمله بازآفرینی شهری، بازآفرینی مبتنی بر رویکرد مشارکت و سرمایه اجتماعی به تحلیل و سنجش تطبیقی وضعیت سرمایه اجتماعی محلات مهدی‌القدم و هفت‌آسیاب شهر ارومیه در فرآیند بازآفرینی مشارکتی بپردازد. علت پرداختن به این موضوع در دو محله مذکور به جهت وجود بعد فرهنگی محله مهدی

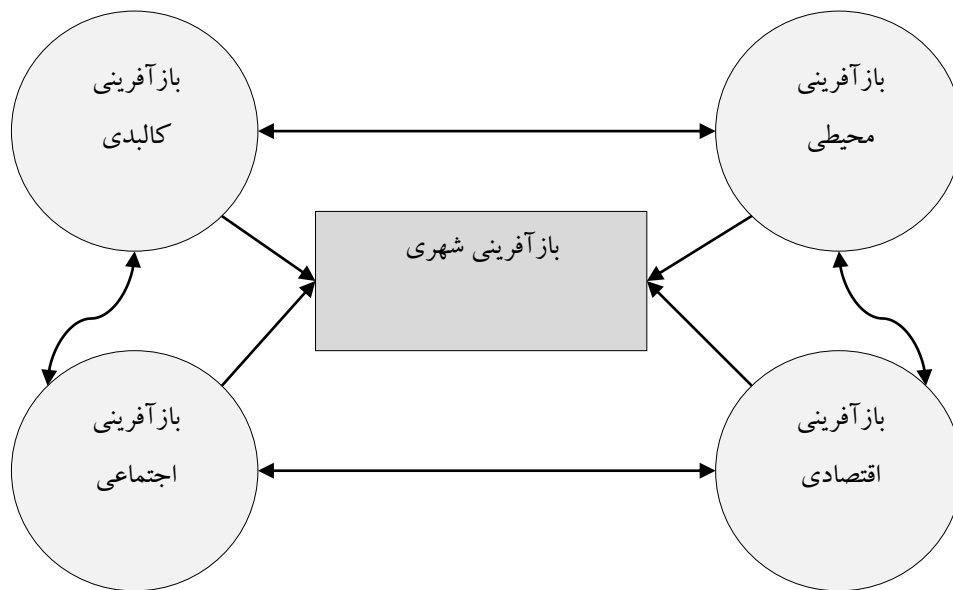
القدم و همینطور بعد تاریخی محله هفت آسیاب میباشد و به نوعی این دو محله، سکونتگاه خانواده‌های اصیل و قدیمی شهر ارومیه میباشد که می‌تواند بازآفرینی مشارکتی را در اولویت اصلی مقوله برنامه‌ریزی شهری قرار دهد. بررسی رابطه بین مفهوم سرمایه اجتماعی و تاثیر آن روی بازآفرینی مشارکتی از نوآوری های این پژوهش میباشد. همچنین این مطالعه در پی پاسخگویی به سوالات زیر نیز می‌باشد.

- وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح محلات مهدی‌القدم و هفت آسیاب ارومیه چگونه است؟
- کدام یک از مولفه‌های سرمایه اجتماعی اهمیت بیشتری در اقدام بازآفرینی مشارکتی داشته است؟
- و از طریق چه اقدامات و راهبردهایی می‌توان به تقویت و بهبود بازآفرینی مبتنی بر رویکرد مشارکت رسید؟

مبانی نظری

بازآفرینی شهری

واژه "Regeneration" از ریشه فعل "Regenerate" به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن و از نو رشد کردن بوده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۲) و همچنین در تعریفی دیگر چنین بیان شده است که به معنای بازتولید طبیعی، بخشی از یک تمامیت زنده می‌باشد که در معرض نابودی قرار گرفته است (لطفی، ۱۳۹۰: ۷۹). بازآفرینی در لغت‌نامه دهخدا به معنی دوباره آفریدن چیزی است. بازآفرینی شهری^۱ از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی، در مواجهه با مشکلات مناطق نابسامان و ناکارآمد شهری، یکی از راهکارهای مهم در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی مطرح بوده است (ایزدی، ۱۳۸۹: ۷۴). سیاست وزارت راه و شهرسازی نیز مبتنی بر رویکرد بازآفرینی شهری پایدار است تا با حفظ ساختار و هویت شهری و معماری بافت‌های تاریخی، کارکرد آن‌ها را با زندگی امروزی سازگار کند و به جای اجبار به حفظ آن‌ها، با ارتقای سطح و منزلت اجتماعی‌شان، در عمل، اشتیاق ادامه سکونت و بازگشت به آن‌ها را در دل ساکنان ایجاد کند. با این نگاه، شهر به مفهوم تمدن، تاریخ، نوع تفکر، هویت، زندگی، نشاط و شادابی است (آخوندی، ۱۳۹۷: ۱۶). بازآفرینی شهری به عنوان مفهوم اصلی در مبحث مرمت شهری، ضمن توجه به رویدادهای گذشته و حفاظت از آثار آن، به خلق هویتی جدید و سازگار و مناسب با شرایط زندگی مردمان جوامع شهری معاصر می‌انجامد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۵). بازآفرینی شهری یک اصطلاح عام است که مفاهیم دیگری نظیر بازسازی، بهسازی، نوسازی، مقتدرسازی و روان‌بخشی شهری را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر به مفهوم احیای تجدید حیات و نوزایی شهری و دوباره زنده شدن شهر است (نوریان و آریانا، ۱۳۹۱: ۱۶). رویکرد بازآفرینی شهری اقدامی است جامع و یکپارچه، که برای حل مشکلات یک محدوده شهری می‌انجامد و سرانجام به یک پیشرفت پایدار اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی در فضاهای شهری خواهد رسید. بازآفرینی شهری به عنوان یکی از برنامه‌های سیاست توسعه درون‌زای شهری (آئینی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۴۹)، طیف وسیعی از ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی را دربرمی‌گیرد. تعامل مداوم میان این ملاحظات، به راهکارهایی برای بازآفرینی شهری می‌انجامد. از جمله این راهکارها «توسعه پایدار شهری»، «حفاظت از میراث»، «مشارکت و آموزش» و «گردشگری فرهنگی» می‌باشند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹).



شکل (۱): ابعاد چهارگانه رویکرد بازآفرینی شهری

مأخذ: صفایی پور و دامن باغ، ۱۳۹۸: ۱۰۸

جدول (۱): اهداف اصلی رویکرد بازآفرینی شهری

اهداف	ابعاد
جذب سرمایه گذاری، ایجاد اشتغال، نو شدن اقتصاد شهر، بهبود توزیع ثروت	اقتصادی
جذب نهادها و سازمان‌های آموزشی و پژوهشی، رسیدن به ارزش‌ها و ترجیحات جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی، سازماندهی مجدد ساز و کارهای انطباق تصمیم با مردم‌سالاری، افزایش میزان فضای همکاری و مشارکت، توجه به تعاملات میان سازمان‌ها، نهادها و روابط درونی آنها	اجتماعی
ارتقای محیط‌زیست، مبارزه با آلودگی‌ها	محیطی
حل مشکل فرسودگی کالبدی، گسترش امکانات سکونت در شهر و توسعه زیرساخت‌های محلی، ارتقای میراث معماری (در هسته‌های تاریخی) و گردشگری شهر	کالبدی

مأخذ: نوریان و آریانا، ۱۳۹۱: ۱۸

بازآفرینی شهری موضوعی جهانی است و به شکلی گسترده، داشتن یک بازآفرینی شهری موثر به عنوان یکی از مهمترین راهکارها برای تمام شهرهای جهان تبدیل شده است که می‌خواهند توسعه افقی و گسترده را متوقف نموده و توسعه متراکم و درونی را ایجاد نمایند (Leary & McCarthy, 2013: 47). بنابراین مفهوم بازآفرینی شهری، اقدامی است که ضمن توجه به ابعاد، جوانب و محدودیت‌های امر توسعه در فضاهای شهری، با بهره‌مندی از فرصت‌ها در دستیابی به توسعه همه‌جانبه تلاش می‌نماید (لطفی، ۱۳۹۰: ۵۰). در بیانی کلی، واژه بازآفرینی به معنی احیاء کردن، جان دوباره بخشیدن، احیاء شدن و از نو رشد کردن گرفته شده است (Christelle & Damidaviciute, 2016: 17). در واقع هدف اصلی در روند بازآفرینی، افزایش کیفیت زندگی اجتماع محلی و تضمین مشارکت آن‌ها در این روند است (سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۶).

بازآفرینی مبتنی بر رویکرد مشارکت

امروزه در جنبش جهانی، تحقق عدالت و دموکراسی اجتماعی، توسعه پایدار شهری و همگام با ظرفیت منطقه مطالعاتی و توجه و تأکید بر مشارکت، تعاملات و همبستگی اجتماعی به عنوان یک راهبرد اساسی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری محسوب می

گردد. مشارکت اجتماعی در فرآیند بازآفرینی شهری، افزایش حس تعلق به مکان‌های شهری، تقویت مسئولیت‌پذیری و توسعه پایدار محلی را به دنبال خواهد داشت. جهت تشریح مفهوم بازآفرینی مبتنی بر مشارکت، بایستی سیر شکل‌گیری مفهوم پایداری را طی نمود که در آن ایجاد تعادل و توازن بین دو عامل «حفاظت» و «توسعه»، برنامه و اقدام اساسی در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه شهرها به شمار می‌آید که بایستی اهمیت و ارزش ویژه‌ای به این مقوله معطوف گردد. پس از پیدایش مفاهیم حفاظت و توسعه در امر پایداری، مباحث اجتماعی و فرهنگی به مقوله برنامه‌ریزی شهری ورود پیدا کرد و پارادایم برنامه‌ریزی مشارکتی پا به عرصه علوم شهری نهاد. پس در نظر گرفتن و توجه به ابعاد رویکرد اجتماعی و اجتماعات محلی (مشارکت) در فرآیند برنامه‌ریزی و ساماندهی شهرها، به دنبال شکل‌گیری مفهوم «پایداری اجتماعی» صورت پذیرفت.

انگاره کلی	سال	مؤلفه
موازنه بین رشد و توسعه و حفاظت از محیط زیست	۱۹۸۰	محیط زیست
بروز پارادایم‌های شهر پایدار، توسعه شهری پایدار	۱۹۹۰	
نیروی محرکه بازآفرینی: شراکت، راهبرد، پایداری	۲۰۰۰	
رویکرد بازآفرینی پایدار شهری یک راهبرد یکپارچه از فرآیند تصمیم‌سازی را ارائه می‌دهد که فراگیر، رقابت‌آمیز و پایدار است	۲۰۰۳	مشارکت
تکامل بازآفرینی شهری در راستای «رویکرد اجتماعی» و «اجتماعات محلی»	۲۰۰۷	مکان پایدار

شکل (۲): سیر شکل‌گیری مفهوم بازآفرینی شهری اجتماع‌محور

مأخذ: ابراهیمی و نژداغی، ۱۳۹۷: ۲۴

از نخستین نظریه‌پردازانی که در بیان اصول مداخله در بافت به اصل مشارکت و حضور مردم اشاره کرده‌اند، لوئیس مامفورد^۱ است. کوین لینچ^۲ و جین جیکوبز^۳ از جمله اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی و نوسازی شهری بر اساس شهرسازی انسان‌گرا اظهار نظر نموده‌اند. همچنین به اعتقاد لینچ باید در جریان بهسازی و نوسازی شهری، برنامه‌ریزی با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مسئولان و مردم شهر صورت گیرد (زینل‌زاده و جاهد قدمی، ۱۳۹۴: ۶۳). قابل ذکر است در حال حاضر در اقدامات اخیر در بازآفرینی شهری در اروپا، برنامه‌ریزان شهری جدیداً بر روی مفهوم شهر انسانی متمرکز شده‌اند (Kotze & de Vries, 2019).

مهمترین مسئله در برنامه‌ریزی بافت‌های مسئله‌دار شهری، توجه به عامل انسانی و میزان مشارکت آن‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی است (معتمدی‌مهر و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰). در واقع هرچه مشارکت مردم و شراکت‌های خصوصی-عمومی افزایش یابد، بازآفرینی پایدارتری محقق می‌گردد (Bevilacqua, 2013). تمام طرح‌های بازآفرینی شهری در نهایت اهداف مشابهی در راستای ارتقای محیط‌زیست و وضعیت اجتماعی و اقتصادی در مناطق موردنیاز برای مداخله دارند (Dean Trillo, 2019). در این میان بایستی بخش عمومی در حمایت از بخش خصوصی جهت هرگونه اقدام اهتمام ورزد. در این صورت بازآفرینی فرآیندی برای معکوس کردن زوال ویژگی‌های فیزیکی، اقتصادی و خصوصاً اجتماعی در مناطق هدف است (Hall, 2016). مشارکت عمومی همه‌جانبه در فرآیند تصمیم‌سازی یکی از پیش‌شرط‌های اساسی توسعه پایدار مناطق شهری است. اعتماد، عزت نفس، سطح قدرت، شهروندمداری و میزان دانش و آگاهی مردم، ارتباط مستقیمی با سطح مشارکت دارد که در نهایت به توانمندسازی عمومی منجر می‌گردد. سطح مشارکت عمومی در تضمین تعهد و راهنمایی مردم تأثیر بسزایی دارد و در تأمین حداکثر منافع عمومی مردم و بهبود سطح رضایت از محیط زندگی سهم عمده‌ای دارد. در دهه‌های اخیر فرآیند برنامه‌ریزی و ساماندهی بافت‌های ناکارآمد شهری مبتنی بر توجه ویژه به ارتقای وضعیت کالبدی منطقه هدف بوده است و هیچ‌گونه مشارکت واقعی مردم و پیاده‌سازی دیدگاه‌های مردم‌سالارانه در فرآیند برنامه‌ریزی در آن به چشم نمی‌خورد. عدم توجه به مسائل اجتماعی در تهیه و تدوین برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های مسئله‌دار شهری سبب افزایش تنش‌های اجتماعی متعدد در آن‌ها شده است. پس از شکست و ناکام ماندن بخش وسیعی از طرح‌های بازآفرینی در طی سال‌های اخیر، تحقق عملی اختیار دادن به جامعه محلی جهت اظهارنظر و ارائه دیدگاه‌ها و افکار خود، پا به عرصه فرآیند برنامه‌ریزی و ساماندهی بافت‌های مورد مطالعه نهاد. توجه به جنبه‌های انسانی، نقش مردم و خواسته‌های آنان در برنامه‌های توسعه شهری اساس دستیابی به محیطی پایدار و در نتیجه شهری پایدار است که بایستی با دخیل نمودن اهداف و راهبردها و زمینه‌های اجرایی آن در فرآیند ساماندهی، بتوان مسائل و مشکلات بافت‌های مسئله‌دار را حل نمود. پس بازآفرینی شهری با تأکید بر اصل برنامه‌ریزی شهری مشارکتی، فرصت دستیابی به سکونتگاه‌های پایدار شهری را فراهم می‌نماید.

سرمایه اجتماعی^۵

امروزه انگاره برنامه‌ریزان و طراحان شهری در مقوله برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، صرفاً معطوف به بخش کالبدی شهر نیست، بلکه علاوه بر خصوصیات کمی و مادی، از جانب ویژگی‌های کیفیتی و ارزشی نیز مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. از جمله عوامل و ملزومات موفقیت هرگونه برنامه‌ریزی، توجه به مسائل اجتماعی است. واژه سرمایه اجتماعی را می‌توان از پرکاربردترین اصطلاحات علوم اجتماعی و از مفاهیم مهم در حوزه مطالعات مرتبط با توسعه دانست. این واژه را نخستین بار هانی فان^۶ در سال ۱۹۲۰ میلادی به کار گرفت. او این مفهوم را شامل دارایی‌هایی می‌دانست که در زندگی روزمره افراد خیلی تأثیر دارند، مانند حس تفاهم^۷، رفاقت و دوستی و احساس همدردی^۸ که در بین افراد و خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند، شکل می‌گیرد.

1. Lewis Mumford
2. Kevin A. Lynch
3. Jane Jacobs
4. Social Capital
5. Social Capital
6. Hani fan
7. Goodwill
8. Sympathy

پس از آن جین جیکوبز در سال ۱۹۶۱ در اثر کلاسیک خود با عنوان «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی» مفهوم سرمایه اجتماعی را به کار برد. بعدها پییر بوردیو^۱ (۱۹۷۰)، جامعه‌شناس فرانسوی، گلن لوری^۲ (۱۹۷۷)، اقتصاددان، کلمن^۳، پاتنام^۴ و... واژه سرمایه اجتماعی را مورد توجه و مذاقه علمی بیشتری قرار داده و گسترش داده‌اند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۵). مفهوم سرمایه اجتماعی از سال ۱۹۸۰ میلادی وارد حوزه علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی گردیده است. سرمایه اجتماعی مفهومی جدید، پویا و رابطه‌ای میان شاخص‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی به حساب می‌آید (عبداله‌زاده‌فر، ۱۳۹۶: ۶) و به عنوان یک عامل و زیربنای مهم در توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه است و گروه‌ها و افراد را قادر می‌سازد تا فضاهای فیزیکی را بهره‌ور و فضاهای فرهنگی و اجتماعی را مساعد نمایند (شیخی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۱۲). در واقع سرمایه اجتماعی رابطه‌ای است که به ارتباط موثر بین افراد که یکدیگر را دوست دارند، به یکدیگر اعتماد دارند و با هم هویت می‌یابند، توجه دارد (غیائی ندوشن و امین‌الرعا، ۱۳۹۵: ۱۸۷). پس این مفهوم از درون روابط بین افراد یک جامعه و ارتباطات آن‌ها با دیگر جوامع شکل می‌گیرد (Chang & Chuang, 2011: 10). طبق مباحثی که در بخش‌های قبلی ذکر گردید، مشارکت اجتماعی در سطح فضاهای شهری تحت تأثیر عوامل زیادی است که یکی از آن‌ها رویکرد سرمایه اجتماعی است. در واقع سرمایه اجتماعی منجر به مشارکت بالاتر افراد یک جامعه می‌شود (ابوذری و زیاری، ۱۳۹۸: ۳۳۶) که همین امر منجر به توجه ویژه به مقوله سرمایه اجتماعی در رویکرد بازآفرینی شهری شده است (Zhai & Kam ng, 2013; Blessi et al, 2012). اهمیت سرمایه اجتماعی در فرآیند نوسازی شهری به عنوان ظرفیت درونی و ثروت‌های پنهان در محلات، یک اقدام غیرمتمرکز و از پایین به بالا است (امان‌پور و لطیفی، ۱۳۹۵: ۱۴) که با در اختیار داشتن شبکه بادوامی از روابط متقابل کم و بیش نهادینه شده مرتبط است (Whipple et al, 2015: 1468). این رویکرد با تأکید بر شبکه‌ای شدن، تقویت اعتماد و روابط اجتماعی و ایجاد تغییر در نگرش مردم و گروه‌ها در داخل جامعه نقش زیادی در توسعه بر عهده می‌گیرد (Gulumser et al, 2012: 4). در یک بیانی کلی سرمایه اجتماعی می‌تواند افراد و جوامع را برای رسیدن به اهداف مشترک در یک راه موثر و کارآمد یاری رساند.

شناسایی و معرفی شاخص‌ها و سنجه‌های مورد ارزیابی تحقیق

امروزه در علوم اجتماعی روز به روز نیاز به استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های پیچیده و بکار بستن متدولوژی دقیق تحقیق، بیشتر احساس می‌شود. شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق معیاری برای ارزیابی، سنجش و اندازه‌گیری شرایط و خصوصیات ابعاد مختلف توسعه در وضع موجود در محدوده مطالعاتی می‌باشد. بدون بهره‌گیری از شاخص‌ها و متغیرها، امکان مشخص نمودن وضعیت محدوده و ارائه اهداف، راهبردها و سیاست‌هایی منسجم و هدفمند و نیل به وضعیتی مطلوب، عملاً غیرممکن است. پس با تعریف شاخص‌ها، متغیرها و سنجه‌ها می‌توان به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف توسعه‌ای مورد مطالعاتی اقدام نمود. در مطالعه حاضر پس از کنکاش و واکاوی پیرامون مباحث و تحقیقات مرتبط با حوزه علمی تحقیق و بهره‌گیری از مباحث به کار گرفته شده در این تحقیقات، به شناسایی و استخراج شاخص‌های موردنیاز جهت ارزیابی وضعیت محدوده مورد مطالعه اقدام گردیده است. شاخص‌های مذکور پس از غربال‌گری و بررسی آن‌ها در جهت سازگار بودن با شرایط و ویژگی‌های توسعه‌ای متنوع در محدوده مورد مطالعاتی تحقیق به شرح زیر انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

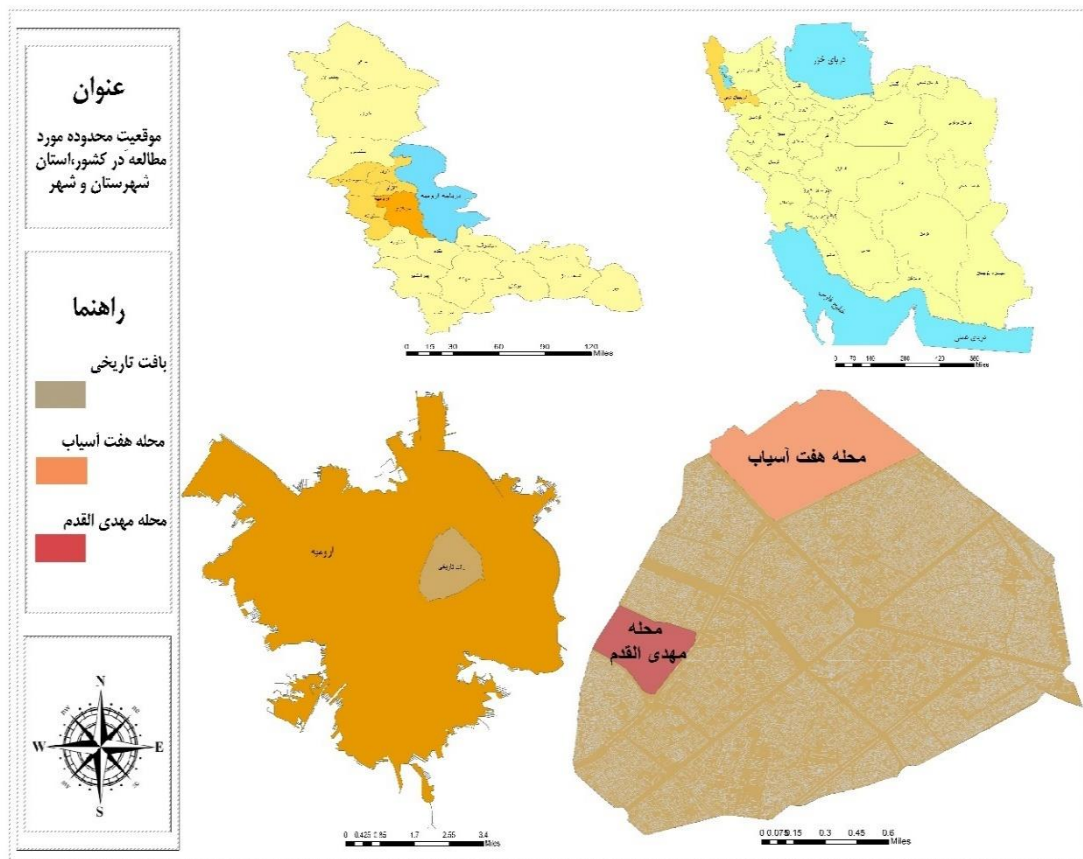
1. Pierre Bourdieu
2. Glenn Loury
3. Coleman
4. Putnam

جدول (۲): معرفی شاخص‌ها و متغیرهای ارزیابی تحقیق

ردیف	ابعاد	شاخص	مأخذ
۱	اعتماد اجتماعی (A)	اعتماد نهادی (a ₁)، اعتماد غیر نهادی (a ₂)	Hazlina Hamdan, 2014; Mee Kam Ng, 2018; Ryu, 2018; Hazlina Hamdan, 2014; Mason, 2015; Wentink, 2017 فلاح زاده، ۱۳۹۴
۲	امنیت اجتماعی (B)	امنیت شبانه (b ₁)، امنیت زنان و کودکان (b ₂)، امنیت عمومی (b ₃)	
۳	بستر اجتماعی-فرهنگی (C)	برگزاری مراسم‌های جمعی مذهبی و آئینی (c ₁)، توجه به امور عام‌المنفعه و همگانی (c ₂)	
۴	مشارکت اجتماعی (D)	مشارکت رسمی (d ₁)، مشارکت غیررسمی (d ₂)	
۵	انسجام اجتماعی (E)	حضور در اجتماعات محلی (e ₁)، تعاون و همکاری در رفع مشکلات محله (e ₂)	
۶	سطح دین‌داری (F)	التزام و تقید به تعالیم دینی (f ₁)، میزان مشارکت در شعائر مذهبی (f ₂)	
۷	هنجارهای معامله متقابل (G)	مصلحت عمومی (g ₁)، احترام متقابل (g ₂)	

معرفی محدوده مطالعاتی تحقیق

ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی و پرجمعیت‌ترین شهر این استان و دومین شهر پرجمعیت منطقه شمال غرب کشور ایران به حساب می‌آید. شهری با همگرایی قوی قومی، اسکان اقوام متعدد در سطح شهر و پیرامون آن، وجود جاذبه‌های مهم طبیعی و آثار غنی فرهنگی و تاریخی، برخورداری از موقعیت استراتژیک در سطح کشور (هم‌مرزی با کشورهای مختلف) ویژگی‌های بسیار مهمی است که اهمیت شهر را روشن می‌سازد. شهر ارومیه طبق آخرین تقسیمات، به پنج منطقه تقسیم‌بندی گردیده است. منطقه چهار شهر ارومیه مهم‌ترین منطقه از نظر سطوح کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و تاریخی می‌باشد. برخورداری از بالاترین سطح مراودات اجتماعی و حضورپذیری مردم، وجود حجم بسیار وسیعی از کاربری‌ها و عملکردهای تجاری و خدماتی، وجود عناصر مهم تاریخی و کلبدی شهر از جمله بازار مهم تاریخی و مساجد سردار و مناره و... و استقرار سازمان‌ها و ادارات مهم شهر برخی از مهم‌ترین خصوصیات این منطقه محسوب می‌گردد. هسته اولیه شکل‌گیری شهر نیز در این منطقه واقع گردیده است که معرف بافت تاریخی شهر می‌باشد. بافت تاریخی شهر ارومیه در محدوده مرکزی و در منطقه ۴ شهر واقع شده که محلات قدیمی متعددی در آن جای گرفته است. طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، محدوده تاریخی شهر ارومیه دارای ۱۳۰۲۶۲ نفر می‌باشد. محلات مهدی‌القدم و هفت‌آسیاب یکی از مهم‌ترین محلات شهری در بافت تاریخی می‌باشد که در مطالعه حاضر به عنوان مطالعه موردی انتخاب گردیده است. محله هفت‌آسیاب (به دلیل وجود آسیاب‌های متعدد) در بخش شمال غربی بافت تاریخی و در مجاورت باروی شهر واقع شده است و مساحت تقریبی آن ۲۶/۷ هکتار می‌باشد. محله مهدی‌القدم (وجود مسجد مهم و تاریخی مهدی‌القدم) نیز در بخش غربی بافت تاریخی واقع گردیده و مساحت تقریبی آن ۹/۶ هکتار می‌باشد. در تحقیق حاضر تحلیل تطبیقی محلات مذکور مورد بررسی قرار گرفته است. نقشه زیر موقعیت جغرافیایی این محلات را نشان می‌دهد.

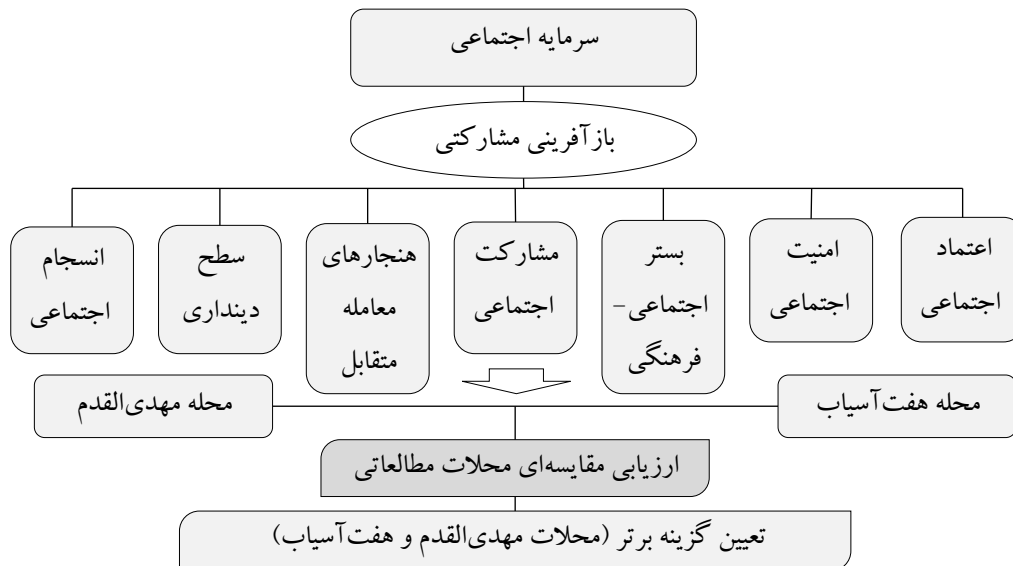


نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی محدوده مطالعاتی

مأخذ: مطالعات نگارندگان

روش تحقیق

تحقیق حاضر از منظر هدف و ماهیت و روش، به ترتیب کاربردی و توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق ابتدا با استفاده از مطالعات و تحقیقات کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع تحقیق به تشریح و تبیین چارچوب تئوریک اقدام شده است. سپس با استفاده از همین منابع به استخراج مولفه‌های موثر در تعیین وضع موجود پرداخته شده است. بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه، بررسی و تدقیق میدانی و مصاحبه اساس مطالعات پیمایشی تحقیق را به خود اختصاص داده است. روایی و پایایی پرسشنامه نیز به تایید خبرگان رسیده و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱۱ می‌باشد که نشان‌دهنده استاندارد بودن سوالات تحقیق می‌باشد. جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق نیز مشتمل بر دو گروه متخصصین، مسئولین و مدیران شهری و شهروندان ساکن در بافت تاریخی شهر ارومیه می‌باشد که گروه متخصصین شهری (با تعداد ۳۰ نمونه) در تعیین وزن و سطح اهمیت و اولویت مولفه‌های پیشنهادی تحقیق مورد مصاحبه قرار گرفته است. همچنین با بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه‌های شهروندان ساکن در بخش بافت تاریخی (تعداد ۳۸۳ نمونه) با استناد به روش کوکران و میزان جمعیت محدوده بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران) به تعیین وضعیت هر یک از مولفه‌ها در گزینه‌های انتخابی اقدام شده است. در بخش تجزیه و تحلیل کمی تحقیق نیز از روش‌ها و آزمون‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره نوین سوارا و ماباک بهره گرفته شده است که به ترتیب جهت وزن‌دهی مولفه‌های انتخابی و رتبه‌بندی گزینه‌های پیشنهادی (محلات مورد مطالعاتی) مورد استفاده قرار گرفته است. در نهایت با تأکید بر نتایج و یافته‌های حاصل، به ارائه برخی از پیشنهادات و سیاست‌ها و راهبردهای هدفمند و موثر اقدام شده است.



شکل (۳): چارچوب مفهومی تحقیق
مأخذ: مطالعات نگارندگان

یافته‌های تحقیق

همانطور که ذکر گردید، هدف اصلی در مطالعه حاضر ارزیابی تطبیقی وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در محلات هفت-آسیاب و مهدی‌القدم با هدف بکارگیری در اقدام بازآفرینی مشارکتی می‌باشد. جهت دستیابی به پاسخ سوالات تحقیق و روشن نمودن سوالات تحقیق از روش‌های و آزمون‌های سوارا و ماباک بهره گرفته شده است. یافته‌های تحلیل توصیفی تحقیق حاکی از آن است که حدود ۷۴ درصد پاسخ‌دهندگان شامل گروه مرد، ۸۲ درصد متشکل از افراد متأهل، بیش از ۶۷ درصد حجم نمونه با گروه سنی ۲۸-۳۸ سال می‌باشند. همچنین کل حجم نمونه تحقیق ساکن بومی شهر و بیش از ۲۰ سال در محلات مطالعاتی سکونت دارند که نشان از آشنایی و تسلط کافی به امور محیط شهری می‌باشد. به علاوه در توزیع آماری متخصصین و مدیران شهری نیز نتایج بدین صورت می‌باشد که کل حجم نمونه در گروه سنی ۴۵ سال و بالاتر قرار گرفته و دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند. همچنین بیش از ۷۰ درصد افراد شامل گروه مرد بوده و در بخش‌های اداری یا دانشگاهی مشغول هستند.

روش سوارا (SWARA)^۱ یا تحلیل نسبت ارزیابی وزن‌دهی تدریجی، یکی از جدیدترین روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره می‌باشد که هدف اصلی در آن محاسبه و تعیین وزن و اهمیت معیارها می‌باشد. این روش که در تحقیقی در سال ۲۰۱۰ توسط کرسولین و همکاران^۲ ارائه گردید به رتبه‌بندی ارزش و اهمیت معیارها می‌پردازد. روش سوارا سازگاری بیشتری را با حجم نمونه هدفمند (کارشناسان و متخصصین) دارد، که پاسخ‌دهندگان به معیارهای کم‌اهمیت و پراهمیت بر اساس سطح مطلوبیت، رتبه‌های ۱ الی ۹ را اعمال می‌کنند. در واقع این روش جهت گردآوری و هماهنگی اطلاعات به دست آمده از کارشناسان و صاحب‌نظران مفید می‌باشد و کارشناسان می‌توانند در حوزه‌های مختلف علمی به برقراری ارتباط با آن اقدام نمایند. در مطالعه حاضر با بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه‌های حجم نمونه هدفمند (گروه متخصصین، اندیشمندان و مدیران شهری) و استفاده از طیف کلامی ۹ امتیازی، از طریق آزمون سوارا به محاسبه سطح اهمیت و اولویت هر یک از شاخص‌های انتخابی تحقیق اقدام شده است که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

1. Step Wise Weight Assessment Ration Analysis
2. Kersuliene, V., Zavadskas, E. K., Turskis, Z. 2010

جدول (۳): ضریب اهمیت شاخص‌های انتخابی تحقیق (نتایج روش سوارا)

رتبه نهایی	$W_j = q_j / \sum q_j$	$q_j = q_j - 1/k_j$	$K_j = S_j + 1$	S_j	مجموع امتیازات	برتری زیرمعیارها
۱	۰/۴۸۶۶	۱	۱	۰	۲۶۴	B ₃
۲	۰/۲۵۰۹	۰/۵۱۵۶	۱/۹۳۹	۰/۹۳۹	۲۴۸	E ₁
۳	۰/۱۲۷	۰/۲۶۱	۱/۹۷۶	۰/۹۷۶	۲۴۲	A ₁
۴	۰/۰۶۴۴	۰/۱۳۲۴	۱/۹۷۱	۰/۹۷۱	۲۳۵	E ₂
۵	۰/۰۳۳۹	۰/۰۶۹۶	۱/۹۰۲	۰/۹۰۲	۲۱۲	B ₁
۶	۰/۰۱۷۵	۰/۰۳۶	۱/۹۳۴	۰/۹۳۴	۱۹۸	A ₂
۷	۰/۰۰۹۳	۰/۰۱۹۱	۱/۸۸۴	۰/۸۸۴	۱۷۵	B ₂
۸	۰/۰۰۴۹	۰/۰۱۰۱	۱/۸۹۷	۰/۸۹۷	۱۵۷	D ₁
۹	۰/۰۰۲۶	۰/۰۰۵۳	۱/۸۹۸	۰/۸۹۸	۱۴۱	G ₂
۱۰	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۲۸	۱/۸۹۴	۰/۸۹۴	۱۲۶	C ₂
۱۱	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۱۶	۱/۷۵۴	۰/۷۵۴	۹۵	D ₂
۱۲	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۹	۱/۸۶۳	۰/۸۶۳	۸۲	C ₁
۱۳	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۵	۱/۷۸	۰/۷۸	۶۴	F ₂
۱۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳	۱/۷۹۷	۰/۷۹۷	۵۱	G ₁
۱۵	۰/۰۰۰۰۴	۰/۰۰۰۱	۱/۸۴۳	۰/۸۴۳	۴۳	F ₁
۲/۰۵۵			$\sum q_j$			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق یافته‌های حاصل، ابعاد امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی، بیشترین و ابعاد سطح دینداری و بستر اجتماعی-فرهنگی کمترین سطح اهمیت و اولویت را نسبت به سایر ابعاد در امر بازآفرینی مشارکتی به خود اختصاص داده‌اند. در این میان طبق نظر حجم نمونه هدفمند تحقیق، شاخص‌های امنیت عمومی و حضور در اجتماعات محلی به ترتیب بیشترین سطح اهمیت و ارزش را کسب نموده‌اند. همچنین شاخص‌های التزام و تقید به تعالیم دینی و مصلحت عمومی به ترتیب در کمترین سطح اهمیت و ارزش نسبت به سایر شاخص‌ها قرار گرفته‌اند.

روش ماباک (MABAC) یکی از روش‌های نوین تصمیم‌گیری چندمعیاره می‌باشد که توسط پاکومار^۱ در مرکز تحقیقات دفاع لجستیک در بلگراد تهیه و برای اولین بار در سال ۲۰۱۵ در حوزه‌های علمی مطرح گردید. رویکرد اصلی روش ماباک در تعیین فاصله عملکرد معیار هر یک از گزینه‌های مشاهده شده از دامنه تقریبی مرزی منعکس شده آن می‌باشد. این روش جزء روش‌های گزینه محور می‌باشد که جهت رتبه‌بندی گزینه‌های پیشنهادی تحقیق به کار می‌رود. برخوردار از دستگاه ریاضی ساده و نتایج پایدار، فراهم نمودن دستیابی به نتایجی کامل و امکان‌پذیر بودن ترکیب این روش با روش‌های دیگر، از مزیت‌های اصلی روش ماباک می‌باشد.

به علاوه ضمن بهره‌گیری از میانگین نظرات شهروندان ساکن در بافت تاریخی (حجم نمونه شهروندان) و با استفاده از طیف کلامی ۹ امتیازی، به رتبه‌بندی و تعیین اولویت گزینه‌های پیشنهادی تحقیق (محلات مورد مطالعاتی) در روش ماباک پرداخته شده است. در این مطالعه هر یک از محلات مهدی‌القدم و هفت‌آسیاب به ترتیب با حروف اختصاری M و H مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. روش ماباک در شش گام تشکیل ماتریس تصمیم، نرمال‌سازی ماتریس تصمیم، وزن‌دار کردن ماتریس نرمال، تعیین مرز ناحیه شباهت ماتریس، محاسبه فاصله گزینه‌ها تا مرز ناحیه شباهت و رتبه‌بندی نهایی گزینه‌های تحقیق به نتیجه می‌انجامد. در ادامه به یافته‌های حاصل از این روش اشاره شده است.

جدول (۴): تشکیل ماتریس تصمیم و نرمال سازی آن

D ₁	C ₂	C ₁	B ₃	B ₂	B ₁	A ₂	A ₁		
۶	۲	۴	۶	۵	۵	۳	۴	M	ماتریس تصمیم
۲	۴	۲	۲	۲	۳	۲	۲	H	
۶	۴	۴	۶	۵	۵	۳	۴	E ⁺	
۲	۲	۲	۲	۲	۳	۲	۲	E ⁻	
۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	M	n _{ij}
۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	H	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۵): تشکیل ماتریس تصمیم و نرمال سازی آن (ادامه جدول فوق)

G ₂	G ₁	F ₂	F ₁	E ₂	E ₁	D ₂		
۲	۲	۳	۴	۲	۳	۳	M	ماتریس تصمیم
۵	۳	۵	۳	۶	۸	۷	H	
۵	۳	۵	۴	۶	۸	۷	E ⁺	
۲	۲	۳	۳	۲	۳	۳	E ⁻	
۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	M	n _{ij}
۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	H	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۶): وزن دهی ماتریس تصمیم و تشکیل و محاسبه گام‌های مرز ناحیه شباهت

D ₁	C ₂	C ₁	B ₃	B ₂	B ₁	A ₂	A ₁		
۰/۰۰۹۸	۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۰۸	۰/۹۷۳۲	۰/۰۱۸۶	۰/۰۶۷۸	۰/۰۳۵	۰/۲۵۴	M	V _{ij}
۰/۰۰۴۹	۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۰۴	۰/۴۸۶۶	۰/۰۰۹۳	۰/۰۳۳۹	۰/۰۱۷۵	۰/۱۲۷	H	
۰	۰	۰	۰/۴۰۷۸	۰	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱۶۲	g _i	
۰/۰۱	۰	۰	۰/۵۷	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۲۴	M	Q
۰	۰	۰	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۱۱	H	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۷): وزن دهی ماتریس تصمیم و تشکیل و محاسبه گام‌های مرز ناحیه شباهت (ادامه جدول فوق)

G ₂	G ₁	F ₂	F ₁	E ₂	E ₁	D ₂		
۰/۰۰۲۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۸	۰/۰۶۴۴	۰/۲۵۰۹	۰/۰۰۰۸	M	V _{ij}
۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰۴	۰/۱۲۸۸	۰/۵۰۱۸	۰/۰۰۱۶	H	
۰	۰	۰	۰	۰/۰۰۳۲	۰/۰۸۳۲	۰	g _i	
۰	۰	۰	۰	۰/۰۶	۰/۱۷	۰	M	Q
۰/۰۱	۰	۰	۰	۰/۱۳	۰/۴۲	۰	H	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۸): رتبه‌نهایی گزینه‌های پیشنهادی تحقیق (محلات مورد مطالعاتی)

ردیف	گزینه	وزن نهایی گزینه‌ها	رتبه
۱	M (مهدی‌القدم)	۱/۱۷	۱
۲	H (هفت‌آسیاب)	۰/۸۱	۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های حاصل از روش ماباک، محله مطالعاتی مهدی‌القدم شهر ارومیه در ابعاد امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی مطلوب‌ترین وضعیت را از نظر شهروندان به خود کسب نموده است. وجود اقوام و مذاهب گوناگون در این محله نیز به تقویت و افزایش انسجام اجتماعی این محله منجر شده است. همچنین در بعد هنجارهای معامله متقابل نامناسب‌ترین وضعیت را داشته است. به علاوه این محله در شاخص‌های امنیت عمومی و مشارکت رسمی بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده وضعیت مناسب آن در محله مهدی‌القدم می‌باشد. وجود پتانسیل‌هایی نظیر مسجد مهدی‌القدم به عنوان یک بنای شاخص فرهنگی شهر در این محله و برگزاری مراسم‌های مختلف در آن موجب تقویت امنیت عمومی این محله شده است. به علاوه در شاخص‌های توجه به امور عام‌المنفعه و همگانی، تعاون و همکاری در رفع مشکلات محله، مصلحت عمومی و احترام متقابل پایین سطح امتیاز و وزن‌دهی را داشته است که معرف وضعیت نامناسب و نامطلوب این شاخص‌ها در محله می‌باشد. حضور و سکونت اقوام مختلف مردم در این محله، نزدیکی به مرکز شهر (قطب تجاری و پرترددترین محدوده)، حضورپذیری زیاد مردم مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که در نحوه وزن‌دهی به شاخص‌های پیشنهادی تحقیق اثر مستقیمی را ایفا نموده است. در محله هفت‌آسیاب، ابعاد اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی در نامناسب‌ترین وضعیت و شرایط جای گرفته است. وجود باندهای خلاف کاری و نبود نظارت عمومی در این محله از جمله علل پایین بودن سطح اعتماد و امنیت اجتماعی در این محله شده است. به جهت نزدیکی این محله به مرکز شهر و وجود افراد با سابقه در بعد سطح دینداری نیز بالاترین سطح امتیاز را از نظر شهروندان به خود اختصاص داده است. این محله در شاخص‌های مشارکت غیررسمی، حضور در اجتماعات محلی و تعاون و همکاری در رفع مشکلات محله بیشترین امتیاز را کسب نموده است. وجود ساکنین قدیمی این محله و هم پیوندی قوی بین آن‌ها نیز عاملی جدی در افزایش تعاون و همکاری در رفع مشکلات محله می‌باشد که نشان می‌دهد مطلوب‌ترین شرایط را اخذ نموده است. همچنین محله هفت‌آسیاب در شاخص‌های اعتماد نهادی و غیرنهادی، امنیت زنان و کودکان، امنیت عمومی، برگزاری مراسم‌های جمعی مذهبی و آئینی و مشارکت رسمی نامناسب‌ترین وضعیت را کسب نموده است. وجود روابط اجتماعی-فرهنگی سنتی و حفظ ارزش‌های اصیل تاریخی، دوری از مرکز شهر، وجود سطح کیفی کالبدی نامطلوب، کیفیت بصری نامناسب و عدم برخورداری از عملکردهای خدماتی موردنیاز نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های محله هفت‌آسیاب شهر ارومیه می‌باشد که در یافته‌های فوق موثر بوده است. براساس نظر جامعه آماری تحقیق، بازآفرینی مشارکتی از بعد فرهنگی در اولویت برنامه ریزی شهری (محله مهدی‌القدم) قرار گرفته است.

طبق نتایج نهایی در رتبه‌بندی گزینه‌های تحقیق، محله مهدی‌القدم شهر ارومیه با ضریب نهایی ۱/۱۷ نسبت به محله هفت‌آسیاب با ضریب نهایی ۰/۸۱ وضعیت و شرایط مطلوب‌تری را در امر بازآفرینی مشارکتی با تأکید بر مولفه‌های سرمایه اجتماعی به خود اختصاص داده است.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

امروزه با توجه به تأکید و توجه مضاعف بر پایداری اجتماعی و توسعه سکونتگاه‌های شهری بر مبنای انسان، جایگاه سرمایه اجتماعی به عنوان رویکردی مهم در امر توسعه پایدار شهری در میان برنامه‌ریزان، اندیشمندان و مدیران شهری تلقی گردیده و ارزیابی مولفه‌های اساسی آن، اقدامی موثر در تعیین شرایط محیط‌های شهری محسوب می‌گردد. سرمایه اجتماعی به شبکه‌های بین

افراد و روابط میان آنها اختصاص دارد. در طی سال‌های اخیر، عنصر مشارکت مردمی به اصلی‌ترین مفهوم و اثر در بازآفرینی محیط‌های نامطلوب شهری به حساب می‌آید که بکارگیری صحیح آن نقش مهمی را در نیل به اهداف مورد انتظار و بازخورد بهتر اهداف ایفا می‌نماید. بازآفرینی مبتنی بر رویکرد مشارکت مفهوم مهمی است که در مطالعه حاضر با تأکید بر رویکرد سرمایه اجتماعی به بررسی آن اقدام شده است. تحلیل تطبیقی محلات مهدی‌القدم و هفت‌آسیاب موجود در بافت تاریخی شهر ارومیه محور مطالعاتی تحقیق حاضر را تشکیل داده است. ضمن بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای و روش‌های پیمایشی (مبتنی بر ابزار پرسشنامه و روش مصاحبه و واریسی میدانی) به استخراج مولفه‌های مورد ارزیابی تحقیق و سنجش اهمیت و وضعیت آنها در محدوده‌های مطالعاتی پرداخته شده است. جامعه آماری و حجم نمونه تحقیق نیز شامل دو گروه متخصصین، اندیشمندان و اساتید مطرح دانشگاهی و شهروندان ساکن در محدوده بافت تاریخی شهر ارومیه بود. در بخش تجزیه و تحلیل تحقیق از تکنیک‌های سوارا و ماباک به ترتیب جهت وزن‌دهی مولفه‌های اصلی تحقیق و رتبه‌بندی گزینه‌های انتخابی (محلات مطالعاتی) اقدام شد. نتایج حاصل نشان داد که به ترتیب شاخص‌های امنیت عمومی و حضور در اجتماعات محلی بیشترین، و التزام و تقید به تعالیم دینی و مصلحت عمومی کمترین سطح اهمیت و ارزش را داشته است. در محله مهدی‌القدم شاخص‌های امنیت عمومی و مشارکت رسمی بیشترین، و توجه به امور عام‌المنفعه و همگانی، تعاون و همکاری در رفع مشکلات محله، مصلحت عمومی و احترام متقابل کمترین سطح اهمیت و ارزش را به خود اختصاص داده است. همچنین در محله هفت‌آسیاب نیز شاخص‌های حضور در اجتماعات محلی بیشترین، و اعتماد نهادی و غیرنهادی، امنیت زنان و کودکان، امنیت عمومی، برگزاری مراسم‌های جمعی مذهبی و آئینی و مشارکت رسمی کمترین سطح اهمیت را از آن خود کرده است. و طبق نتایج نهایی رتبه‌بندی نیز محله مهدی‌القدم نسبت به محله هفت‌آسیاب در وضعیت مطلوب‌تری از نظر بازآفرینی مبتنی بر رویکرد مشارکت (با تأکید بر سرمایه اجتماعی) جای گرفت. دربرخی پژوهش‌ها سرمایه اجتماعی را با مفاهیمی مانند وفاق اجتماعی، توسعه سیاسی و امنیت ملی بررسی نموده‌اند. همچنین در مواردی نیز سرمایه اجتماعی را همراه با شاخص‌ها و توسعه اقتصادی بررسی کرده‌اند برای مثال سرمایه اجتماعی برون‌گروهبی با گسترش شعاع اعتماد، شکل‌گیری شبکه‌های روابط اجتماعی و مشارکت افراد در انجمن‌های داوطلبانه به فرایند توسعه اقتصادی کمک می‌کند.

در نهایت جهت بهبود وضع موجود و نیل به شرایطی مطلوب به ارائه برخی پیشنهادات اقدام می‌گردد.

- مشارکت مردم در امور شناسایی مشکلات محلات و ساماندهی شرایط محیطی
- تقویت اطلاع‌رسانی و افزایش سطح آگاهی مردم
- ایجاد بانک اطلاعات محله‌ای از تخصص‌ها و مهارت‌های ساکنان محله به عنوان سرمایه‌های انسانی محله و بهره‌گیری از این تخصص‌ها به هنگام نیاز
- فراهم نمودن زمینه‌های مناسب جهت تعامل بیشتر میان دولت و مردم (تقویت موسسات خیریه موجود در محله)
- تخصصی نمودن عملکردهای فرهنگی-اجتماعی مطلوب در سطح سکونتگاه‌ها (توجه به ظرفیت‌های مسجد، کلیسا و کنیسه در کوچه شهید دربندی)
- تأکید و توجه مضاعف بر مفهوم حقوق شهروندی و رویکرد حق به شهر
- تلاش در راستای افزایش کاربری فضای سبز جهت تقویت سطح رفاه عمومی
- تأکید بر عوامل جذابیت و زیبایی بصری (شاخص سازی نمای مسجد مهدی‌القدم)
- برگزاری رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی-اجتماعی متنوع (استفاده از گره شهری خیابان سرداران)
- ایجاد تشکل‌های مردمی و تشکیل موسسات ارائه‌دهنده خدمات بازآفرینی (توجه به پتانسیل فرهنگی و موسسات مردم نهاد محله)

منابع

- ابوذری، پانته‌آ؛ زیاری، یوسفعلی. (۱۳۹۸). تحلیل نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت‌پذیری در طرح‌های ساماندهی بافت‌های فرسوده با رویکرد بازآفرینی شهری (مورد پژوهی: منطقه ۱۲ شهر تهران). فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۹(۳)، ۳۳۵-۳۴۹.
- آخوندی، عباس. (۱۳۹۷). بازآفرینی شهری از مسیر بازآفرینی محلات شهری. هفت شهر، شماره ۶۲، ۱۸-۲۱.
- امان‌پور، سعید؛ لطیفی، امید. (۱۳۹۵). اثرات حکمرانی خوب شهری و اعتماد اجتماعی در بهبود کیفیت بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۵ تهران). فصلنامه مطالعات شهری، ۸(۲۸)، ۱۳-۲۹.
- امیراحمدی، رحمت‌اله؛ نوابخش، مهرداد؛ زنجانی، حبیب‌اله. (۱۳۹۵). بررسی نقش سرمایه اجتماعی-فرهنگی بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: شهر مشهد). دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۵(۸)، ۱۲۳-۱۴۳.
- ایزدی، پگاه. (۱۳۸۹). ساماندهی محلات حاشیه‌ای و مسئله‌دار شهر شیراز با استفاده از رویکرد بازآفرینی پایدار شهری (نمونه موردی: محله سعدی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی موحد، دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- آیینی، محمد؛ اردستانی، زهرا السادات. (۱۳۸۸). هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه‌های توسعه درونزای شهری. هویت شهر، ۳(۵)، ۴۷-۵۸.
- پوراحمد، احمد؛ حبیبی، کیومرث؛ کشاورز، مهناز. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۱(۱)، ۹۲-۷۳.
- حبیبی، سید محسن؛ مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۱). مرمت شهری. چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حناچی، پیروز. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی تجارب مرمت شهری در ایران و جهان. نشر سبحان، تهران.
- زینل‌زاده، سجاد؛ جاهدقدمی، محمد. (۱۳۹۴). تبیین و اولویت‌سنجی ابعاد تأثیرگذار جهت تحقق نوسازی مشارکتی در بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: محله شهید خوب‌بخت تهران). باغ نظر، ۱۳(۴۳)، ۶۱-۷۶.
- سجادزاده، حسن؛ حمیدی‌نیا، مریم؛ دالوند، رضوان. (۱۳۹۶). سنجش و ارزیابی ابعاد محرک توسعه در بازآفرینی محله‌های سنتی (نمونه موردی: محله حاجی در بافت تاریخی شهر همدان). جغرافیا و توسعه، شماره ۴۹، ۱-۲۲.
- سعادت‌تی، موسی؛ عباس‌زاده، محمد؛ نیازی، محسن؛ منتظری خوش، حسن. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و افسردگی (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر تبریز). مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، ۱۳(۱)، ۸۹-۱۱۰.
- شیخی، ایوب؛ سهی، زهرا؛ رنجبر، مریم؛ اولادی، مریم. (۱۳۹۵). تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری با نقش میانجی مشارکت شهروندان (مطالعه موردی: شهرداری کرمان). مدیریت شهری، شماره ۴۳، ۴۱۱-۴۲۳.
- صفایی‌پور، مسعود؛ دامن‌باغ، صفیه. (۱۳۹۸). تحلیل مولفه‌های بازآفرینی شهری در بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز. نشریه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۴(۳)، ۱۰۳-۱۲۲.
- عبداله‌زاده‌فرد، علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در ارتقاء رفتار شهروندی ساکنان محله‌های شهری (مطالعه موردی: محله ایوردی و کوی دانشگاه، شیراز). مطالعات محیطی هفت‌حصار، ۶(۲۳)، ۵-۱۸.
- عزتی، یونس؛ حقیقتیان، منصور؛ مؤذنی، احمد. (۱۳۹۷). مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه فرهنگی. مطالعات میان-فرهنگی، ۱۴(۳۸)، ۳۷-۶۴.
- غیائی‌ندوشن، سعید؛ امین‌الرعایا، احسان. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری بر میزان بهره‌وری منابع انسانی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۲۵(۸۰)، ۱۸۳-۲۰۹.
- فلاح‌زاده، سجاد؛ محمودی پاتی، فرزین. (۱۳۹۴). اولویت‌بندی سیاست‌های مشارکتی در بازآفرینی شهری با تأکید بر احتمال وقوع ناسازگاری میان بهره‌وران (مطالعه موردی: برنامه بازآفرینی بافت قدیم آمل). مطالعات شهری، ۴(۱۵)، ۵-۱۶.

- لطفی، سهند. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۴۹-۶۲، (۴۵)۳.
- لطفی، سهند. (۱۳۹۰). تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی. تهران: آذرخش.
- معمدی‌مهر، اکبر؛ حسن‌پور، رضا؛ رضایی، رقیه. (۱۳۹۳). بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی (مطالعه موردی: محله قیلر قروه). چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، شماره ۲۶، ۲۹-۴۴.
- نژاد ابراهیمی، احد؛ نژداعی، نسترن. (۱۳۹۷). تدوین چارچوب مفهومی بازآفرینی شهری اجتماع‌محور مبتنی بر آموزش در بافت‌های تاریخی. دانش شهرسازی، ۲(۳)، ۲۱-۳۴.
- نقدی، اسداله؛ کولیوند، شکبیا. (۱۳۹۴). بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: ساماندهی بافت فرسوده خیابان مدرس کرمانشاه). فصلنامه مدیریت شهری، ۷(۲۱)، ۱-۲۰.
- نوریان، فرشاد؛ آریانا، اندیشه. (۱۳۹۱). تحلیل چگونگی حمایت قانون از مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری مطالعه موردی: میدان امام علی (عتیق) اصفهان. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۷(۲)، ۱۵-۲۸.
- Bakar, A. H. A., & Cheen, K. S. (2013). A framework for assessing the sustainable urban development. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol 85, 484-492.
- Bevilacqua, C; Calabro, J. Maione, C. (2013). The Rule of Community in Urban Regeneration: Mixed Use Area Approach in USA Proceeding REAL CORP 2013. Rome: Tagungs. Pp. 20-23.
- Blessi, G. Tremblay, D. Sandri, M & Pilati, T. (2012). New trajectories in urban regeneration processes: Cultural capital as source of human and social capital accumulation – Evidence from the case of Tohu in Montreal, *Cities*, 29(6), 397-407.
- Chang, H. & Chuang, S. (2011). Social capital and individual motivations on knowledge sharing: Participant involvement as a moderator, *Information & Management*, Vol 48, 9–18.
- Christelle, B., & Damidavičiūtė, A. (2016). Urban Regeneration in Rio de Janeiro Favelas during the Olympic games of 2016”. Master Thesis in Development & International Relations, Supervisor: Malayna Raftopoulos.
- Dean, K., & Trillo, C. (2019). Assessing sustainability in housing led urban regeneration: Insights from a housing association in Northern England. *Architecture MPS*, 15(2), 1-18.
- Gülümser, A., Levent, T., Nijkamp, P. and Poot, J., 2012. The Role of Local and Newcomer Entrepreneurs in Rural Development: A Comparative Meta-analytic Study, Research Memorandum 2012-1, Faculty of Economics and Business Administration, Vrije University.
- Hall, P., 2016, *Towards a General Urban Theory*, New York University site, Longman Australia publishers.
- Hong, Y. (2018). Resident participation in urban renewal: Focused on Sewoon Renewal Promotion Project and Kwun Tong Town Centre Project. *Frontiers of architectural research*, 7(2), 197-210.
- Kotze, N., & de Vries, L. (2019). Resuscitating the African Giant: Urban Regeneration and Inner city Redevelopment Initiatives along the ‘Corridors of Freedom ‘in Downtown Johannesburg. *Geographia Polonica*, 92(1), 57-70.
- Leary, M.E., McCarthy, J. (2013). *Companion to Urban Regeneration*, New York: Routledge.
- Whipple, J. M. Wiedmer, R. & Boyer, K. (2015). A dyadic investigation of collaborative competence, social capital, and performance in Buyer-Supplier relationships. *Journal of supply chain management*, 51(2), 3-21.
- Yung, E. H. K., Zhang, Q., & Chan, E. H. (2017). Underlying social factors for evaluating heritage conservation in urban renewal districts. *Habitat International*, Vol 66, 135-148.
- Zhai, B & Ng, M.K. (2013). Urban regeneration and social capital in China: A case study of the Drum Tower Muslim District in Xi’an. *Cities*, Vol 35, 14–25.